

دوستان عزیز ما یک و محمد اسمعیلی

با سلام و درود گرم. شادم که باز هم گریه را پیدا کردم. یعنی به محبت نبود. صد سال یک لحظه مرا به دور کاران
 لبریز از آرزو پردو باز آورد. من می دانم که چقدر دوست دارید، اما فرادستان منوره بودم و پدید است
 که شوم مرا از یاد نبرده اند. شکرم.
 در گفت و گو من و آقای آرد تلفنی متوجه شدم که کلا اوست چه خبر است که توانم مرا خوانده اند. فکرمی کنم که
 اگر نواز علم در آنم را که در لندن چاپ شده دیده اند. همانا تم "ابریزی سنت" و "اربابی" را که در لندن منتشر
 دارید یانه. به هر حال سوگرم تازه ام: راه، رود و کوهن، در سیاه و سفیدم، گذار از رود را همراه قدرت
 کار را انجام شنیده محضم. این دعا که هم در ایران و هم در امریکا و فرانسه چاپ شده. دوست راوی را
 در لندن یا چند کلمه ملاحظه کردند که چاپ بود. ما یک مترجمه شوم که آنرا از آنها چند کلمه بیابند.
 دو سه سال اخیر که گرم جمع آور کرده بودم که تازه تمام شده و برار چاپ حافراست (۳۰ صفحه)
 منظم که در بیجا است. پاکیزه ای به چاپ برسانم. خلاصه بپوشه در محبت که باید لقمه بگیرم.
 در این ده سال که در لندن زندگی می کنم، کوشش کرده ام، به هیچ گروه و دسته ای متعلق نیام
 لذا چاپ کتابم را هم شخصاً به عهد می گذرم. خوانش می کنم که هم بپایان این کوشش من باشد و اگر
 شب شود نیز بر گزار کردید، لطفاً نوارش را برام بفرستید. نامه بنویسید و از حال در روزگار خودتان
 آگاهم کنید. سلام به آمار تکانه و دوستان دیگرمان

با آرزوی سادمانی و پیروزی

عزیز